https://doi.org/10.22099/jill.2023.46627.1337
https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383574.1402.8.1.3.0

شاپای الکترونیکی: ۳۵۸۲ – ۲۵۳۸

مقاله علمی پژوهشی

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۲ (بهار و تابستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۱۷ – ۱۳۱

فعل مرکب در زبان لاری

لیلا دیانت

دکتری زبان‌شناسی، مدرس مجتمع آموزش عالی لارستان

چکیده

زبان لاری هم‌چون سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی منبع بسیار مهمی در پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و به ویژه زبان‌شناسی است. این زبان شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که توسط اطلس زبان‌های در خطرِ یونسکو به عنوان یکی از زبان‌های در خطر معرفی شده است. هدف از این پژوهش بررسی فعل مرکب در این زبان است. این مقاله می‌کوشد تا به این سوالات پاسخ دهد: چه فرایندهایی در ساخت فعل مرکب در زبان لاری دخیل هستند، سازهٔ غیرفعلی در فعل مرکب در این زبان چیست و ساخت فعل مرکب در این زبان، فرایندی نحوی است یا ساختواژی. داده‌ها در این زبان به روش میدانی و بر اساس شم زبانی نویسنده به عنوان گویشور بومی گردآوری شده و به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی بررسی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساخت فعل مرکب در این زبان یک فرایند ساختواژی است؛ زیرا حرکت هسته به هسته نیست بلکه در این زبان عناصری غیر از هسته از جمله قیدها و ضمایر نیز با فعل ترکیب می‌شوند و فعل مرکب را می‌سازند. در این زبان دو فرایند عمدهٔ ترکیب و انضمام نیز در تشکیل فعل مرکب دخیل هستند. دامنهٔ ترکیب در زبان لاری گسترده و شامل صورت‌های مختلفی از جمله ترکیب صفت با فعل، اسم با فعل، گروه حرف اضافه با فعل، قید یا قید پیشوندی با فعل و ضمیر با فعل است. اما تنها دو گونهٔ انضمامی مفعول صریح و مفعول بواسطه در این زبان وجود دارند.

واژه‌های کلیدی:

فعل مرکب
زبان لاری
ترکیب
انضمام
فرایند ساختواژی

تاریخچهٔ مقاله:

دریافت: ۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۲۱

پذیرش: ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسندهٔ مسئول: l.dianat@yahoo.com

۱. مقدمه

فعل موثرترین عنصر نحوی کلام است که در همنشینی با سایر سازها در جملهٔ، عمده‌ترین نقش را دارد و بر اساس آن نقش اجزای جمله و رابطه آن‌ها تعیین می‌شود (رضایتی کیشه‌خاله و امام‌دوست، ۱۳۹۴). فعل مرکب[1] نیز یکی از مقوله‌های دستوری است که بررسی ساختمان آن در زبان‌های مختلف مورد توجه بسیاری از دستورنویسان و زبان‌شناسان بوده و مباحث فراوانی هم در این زمینه مطرح شده است. هدف از این مقاله بررسی فرایند ساخت فعل مرکب در زبان لاری است. زبان لاری در محدودهٔ زبان‌های ایرانی جنوب غربی قرار دارد. وثوقی (۱۳۸۰: ۳۹) معتقد است که این زبان علاوه بر شهرستان لارستان، در شهرهای دیگر استان فارس از جمله خنج، گراش، قسمت‌هایی از لامرد از جمله اشکنان، اسیر، اَهِل و مناطق وسیعی از استان هرمزگان (بخشی از بندرعباس، تمامی بندر لنگه، بستک، فرامرزان) و حتی طبق گفتهٔ خنجی (۱۳۸۸: ۱۵) گویشورانی در قسمت‌هایی از امارات متحدهٔ عربی از جمله قطر، بحرین، کویت و عمان دارد. اگر زبان لاری را که مردم شهر لار (بخش مرکزی شهرستان لارستان) صحبت می‌کنند، به عنوان زبان معیار در نظر بگیریم، این زبان بر اساس پژوهش‌های سلامی (۱۳۸۳) متشکل از ۲۱ گویش از جمله گویش اوزی، خنجی، گراشی، اشکنانی، فداغی، اسیری، بستکی، اهلی، بنارویی، فیشوری و... است (دیانت، ۱۳۹۵). زبان لاری همچون سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی منبع بسیار مهمی در پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و به ویژه زبان‌شناسی است. بنابراین باید در راستای ثبت بیش‌تر این زبان مادری و نیز جلب توجه دیگر زبان‌شناسان به چنین زبان‌های اقلیت و در معرض خطر این سرزمین پهناور گامی موثر برداشت. بدیهی است عدم توجه کافی به این زبان، به معنای از دست دادن بخش مهمی از منابع و از همه مهم‌تر از دست دادن هویت قومی و محلی است (دیانت، ۱۳۹۹). به همین دلیل ضرورت ثبت علمی و مطالعات زبان‌شناسی این زبان بیش از پیش اهمیت می‌یابد. این مقاله می‌کوشد تا به این سوالات پاسخ دهد که چه فرایندهایی در ساخت فعل مرکب در زبان لاری دخیل هستند، سازهٔ غیرفعلی در فعل مرکب در این زبان چیست و ساخت فعل مرکب در این زبان، فرایندی نحوی است یا ساختواژی؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

در این قسمت ابتدا به پژوهش‌هایی که بر روی زبان لاری انجام گرفته‌اند، پرداخته می‌شود. قسمت دوم این بخش، به مطالعات صورت‌گرفته در زمینهٔ فعل مرکب در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی اختصاص می‌یابد.

[1] compound verb

۲-۱. پیشینۀ پژوهش زبان لاری

پژوهشگران داخلی و خارجی از دیرباز پژوهش‌هایی دربارۀ زبان لاری انجام داده‌اند. هر یک از این پژوهش‌ها گوشه‌ای از این زبان را بررسی کرده است. از جمله مطالعات مرتبط با این پژوهش می‌توان به مان[1] (۱۹۰۹)، کلباسی (۱۳۶۷)، وثوقی (۱۳۶۹)، صفری (۱۳۹۰)، دبیرمقدم (۱۳۹۲)، میردهقان و اورنگ (۲۰۱۳) اشاره کرد.

مان آلمانی (۱۹۰۹) بخش‌های کوتاهی را به زبان لاری، ویژگی‌های آن و نیز صورت‌های صرف فعل اختصاص داده است. کلباسی (۱۳۶۷) دستگاه فعل در گویش لاری را بررسی و انواع فعل را از نظر ساختمان به سه دستۀ بسیط، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌کند؛ اما به دلیل گویشورنبودن نویسنده و داده‌های محدود، کاستی‌هایی دارد؛ به عنوان مثال آوانگاری برخی واژه‌ها خالی از اشکال نیست و یا مرز میان شناسۀ فعلی و ضمایر مشخص نشده است (صفری، ۱۳۹۰: ۱۹). وثوقی (۱۳۶۹) پس از نگاهی گذرا به تاریخ لارستان، به دگرگونی واجها می‌پردازد و سپس مصدرها، صرف فعل به همراه معانی فارسی آن‌ها را ارائه می‌کند. صفری (۱۳۹۰) به بررسی ساختمان گروه فعلی در گویش دهکویی زبان لاری، بر اساس نظریۀ ایکس تیره پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که این نظریه کارآمدی لازم در توجیه ساختمان گروه فعلی این گویش را دارد. دبیرمقدم (۱۳۹۲) زبان لاری را به لحاظ رده‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد و مثال‌هایی از صرف افعال در زبان لاری ارائه می‌کند. میردهقان و اورنگ (۲۰۱۳) به بررسی زمان حال، گذشته و آیندۀ افعال در زبان لاری پرداخته‌اند. در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به ساختار و فرایند ساخت فعل مرکب پرداخته نشده و همین موضوع اهمیت تحقیق را دو چندان می‌کند.

۲-۲. پیشینۀ پژوهش فعل مرکب در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

مقولۀ فعل مرکب در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از دیدگاه معنایی، واژگانی و نحوی مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان و دستورنویسان داخلی و خارجی بوده است. از این جمله می‌توان به کریمی و محمد (۱۹۹۲)، دبیرمقدم (۱۳۷۶)، منصوری (۱۳۸۶ و ۱۳۹۲)، دادفر و سلمانی (۱۳۹۰)، مرادی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲)، محمودی احمدآبادی (۱۳۹۴)، افشار و زارعی (۱۳۹۵)، شریف و عموزاده (۱۳۹۶) اشاره کرد.

کریمی و محمد (۱۹۹۲) در چارچوب نظریۀ حاکمیت و مرجع‌گزینی به بررسی افعال مرکب در فارسی پرداخته و معتقدند که عنصر فعلی افعال مرکب فارسی، سبک هستند. دبیرمقدم (۱۳۷۶) تشکیل فعل مرکب را ماحصل دو پدیدۀ ساختواژی ترکیب[2] و انضمام[3] می‌داند و به دو دلیل این پدیده را ساختواژی می‌داند و نحوی بودن آن‌ها را رد می‌کند؛ دلیل اول این است که انضمام تغییر ظرفیت ایجاد می‌کند و طبق اصل فرافکنی تعیین

[1] O. Mann
[2] combination
[3] incorporation

ظرفیت در ساختواژه صورت می‌گیرد. دوم این‌که برونداد انضمام باید درونداد ساختواژی باشد. منصوری (۱۳۸۶) ضمن این‌که نحوی‌بودن تشکیل فعل مرکب را رد می‌کند، ساخت‌واژی بودن را پذیرفته اما عملاً تأثیر یک پدیدهٔ کاربردشناختی را بیان می‌کند. مغایر با نظر دبیر مقدم (۱۳۷۶) که به جدایی ترکیب از انضمام معتقد است و دو پدیدهٔ ترکیب و انضمام را جدا از هم می‌داند. وی بر این باور است که انضمام یک فرایند قطعی نیست بلکه یک پیوستار است که از انضمام شروع‌شده تا به ترکیب می‌رسد. وی (۱۳۹۲) طرحی موسوم به طرح بادبادکی برای نشان‌دادن وضعیت ناپایدار افعال سبک در زبان فارسی ارائه می‌کند. دادفر و سلمانی (۱۳۹۰) با مقایسهٔ فعل ساده و مرکب در زبان فارسی از دیدگاه‌های مختلف بیان کرده‌اند که به دلیل تفاوت ساختاری و معنایی در افعال ساده و مرکب نمی‌توان یکی را به عنوان جایگزین گونه دیگر قرار داد. مرادی و کریمی دوستان (۱۳۹۲) در چارچوب معنایی- واژی لیبر[۱] (۲۰۰۴) به بررسی فعل مرکب در زبان فارسی پرداخته و معتقدند که در فعل مرکب عنصر فعلی به دلیل ترکیب با عنصر غیرفعلی، بدنهٔ معنایی آن تغییر می‌کند به طوری که عنصر فعلی هستهٔ نحوی و معنایی و عنصر غیرفعلی وابسته است. محمودی احمدآبادی (۱۳۹۴) با بررسی انواع فعل مرکب در گویش اردکان یزد نشان می‌دهد که علاوه بر دسته‌بندی‌های ارائه‌شدهٔ دبیرمقدم (۱۳۷۴) در زبان فارسی، دسته‌بندی دیگری هم در این گویش وجود دارد. همچنین تعداد ترکیب در این گویش از انضمام بیش‌تر است. افشار و زارعی (۱۳۹۵) با بررسی فعل مرکب در آثار ادبی معاصر کردی معتقدند که افعال مرکب کردی به دو صورت هسته‌پایانی و هسته‌آغازین وجود دارند که گاهی درون‌مرکز و گاهی برون‌مرکز و اصطلاحی در این آثار قابل تشخیص هستند. شریف و عموزاده (۱۳۹۶) با ارائهٔ طرحواره‌ای موسوم به طرحوارهٔ ساختی، شکل‌گیری افعال مرکب را به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل فرایند انضمام می‌دانند.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روشی توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، پیکرهٔ داده‌ها با استناد به دیانت (۱۴۰۱) جمع‌آوری شده است. به عبارتی شم زبانی نویسنده به عنوان گویشور بومی یکی دیگر از منابع گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش بوده است. سپس داده‌ها با توجه به سازهٔ غیرفعلی دسته‌بندی شده و بر اساس نوع ساخت، تحلیل شدند. برای درک بهتر ساخت افعال مرکب انضمامی نمودار درختی مثال‌ها، بر اساس برنامهٔ کمینگی رسم شده است.

[1] R. Lieber

۴. تحلیل داده‌ها

کلباسی (۱۳۶۷) ساختمان فعل در زبان لاری را به سه دستهٔ ساده (بسیط)، پیشوندی و مرکب تقسیم‌بندی می‌کند. دستهٔ اول فعل بسیط (ساده)[1] است که از یک پایهٔ واژگانی تشکیل شده است (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۳)؛ مانند /kata/ به معنی *افتادن*؛ /čeda/ به معنی *رفتن*. دستهٔ دوم فعل پیشوندی[2] است که به صورت پیشوند غیرفعلی و یک پایه ظاهر می‌شود؛ مانند /vā-boda/ به معنی شدن؛ /vā-dada/ به معنی پس‌دادن است. کلباسی (۱۳۶۷: ۱۴۶) /vā/ را پرکاربردترین پیشوند در ساخت فعل پیشوندی می‌داند که در معانی مختلفی مانند دوباره، برعکس، به سوی عقب، به سوی جلو و... به کار می‌رود. وفایی (۱۳۹۶: ۱۴۶) معتقد است که فعل در دستگاه واژه‌سازی زبان در دستگاه ساده و مرکب قرار می‌گیرد. ساختمان پیشوندی تقسیم نادرستی از ساختمان فعل است و آن‌چه پیشوند خوانده شده مقولهٔ آزاد دستوری به نام حرف است. دستهٔ سوم فعل مرکب است. فعل مرکب، فعلی است که ساختمان واژی آن بسیط نیست و از پیوند یک سازهٔ غیرفعلی مانند اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای یا قید با یک سازهٔ فعلی تشکیل شده است که ماحصل آن یک واژهٔ مرکب می‌باشد (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۱۵۰)؛ به عنوان مثال /boxaw kerda/ به معنی *در غل و زنجیر کردن*؛ /gam zata/ به معنی *کوک‌زدن خیاطی*.

اما در زبان لاری گروهی دیگر از فعل‌ها هستند که حالتی بینابین دو گونهٔ پیشوندی و مرکب دارند که این نوع فعل را «فعل پیشوندی مرکب» می‌نامند. این نوع فعل از ترکیب یک سازهٔ غیر فعلی با فعل پیشوندی ساخته می‌شود که معنی واحدی دارد و مانند فعل‌های دیگر قابلیت صرف در زمان‌ها و حالت‌های مختلف را دارد. از میان پژوهشگران حوزهٔ زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی تنها خانلری (۱۳۷۷)، ماهوتیان (۱۳۸۴)، انوری و گیوی (۱۳۸۵) و رضایتی کیشه‌خاله و امام‌دوست (۱۳۹۴) به بررسی فعل پیشوندی مرکب فارسی پرداخته‌اند که خانلری (۱۳۷۷) هم این نوع فعل را جزئی از فعل مرکب می‌داند. کلباسی (۱۳۶۷) به این نوع فعل در تقسیم‌بندی ساختمان فعل در زبان لاری اشاره‌ای نکرده است؛ اما در قسمت توصیف پیشوند /vā/ مثالی برای توصیف این پیشوند ارائه می‌کند و معتقد است که برخی اوقات این پیشوند در زمان گذشته بعضی افعال به معنی «باء تأکید» به کار می‌رود.

در این مقاله به بررسی فرایند ساخت فعل مرکب در این زبان پرداخته می‌شود. طباطبائی (۱۳۸۴: ۲۶-۲۷) فعل مرکب را ترکیبی از دو واژهٔ مستقل می‌داند که واژهٔ اول اسم، صفت، قید و واژهٔ دوم فعل است. جزء اول، همراه و جزء دوم هم‌کرد نامیده می‌شود. ویژگی هم‌کردها این است که معنی اصلی خود را از دست می‌دهند و معنی‌شان کم‌رنگ می‌شود.

---

[1] simple verb
[2] prefixed verb

۴-۱. فرایند ترکیب

در زبان لاری یکی از فرایندهایی که در تشکیل فعل مرکب نقش دارد فرایند ترکیب است. در این فرایند سازه‌های غیرفعلی مستقلی با فعل ترکیب شده و فعل مرکب ساخته می‌شود. انواع ترکیب سازه‌های غیرفعلی با فعل شامل:

۴-۱-۱. ترکیب صفت + فعل

Ašak zata (حرص‌زدن) gerā kerda (روشن‌کردن) sawz boda (جوانه‌زدن)
zard boda (پژمرده‌شدن)

۴-۱-۲. ترکیب اسم + فعل (لازم/ متعدی)

جزء فعلی فعل مرکب در این ترکیب متنوع است و ممکن است لازم یا متعدی باشد. در این قسمت مثال‌هایی از ترکیب اسم با افعال مختلف آورده شده است.

الف) با مصدر زدن /zata/:

gam zata (کوک‌زدن) pagva zata (وصله‌کردن) sabr zata (عطسه‌کردن)
fūtak zata (سوت‌زدن)

ب) با مصدر دادن /dada/:

dopak dada (هل‌دادن) düšt dada (اندودکردن پشت بام) azāb dada (اذیت‌کردن)
geren dada (گره‌زدن)

ج) با مصدر کردن /kerda/:

aylakā kerda (آویزان‌کردن) aleš kerda (عوض‌کردن) kapferāxi kerda (خمیازه‌کشیدن)
pāešt kerda (مراقبت‌کردن، احتیاط‌کردن)

د) با مصدر گرفتن /gereta/:

taš gereta (آتش‌گرفتن) ger gereta (بهانه‌گرفتن) andā gereta (اندازه‌گرفتن)
xas gereta (شکل و حالت گرفتن)

ر) با مصدر بودن /boda/:

āmoxta boda (عادت‌کردن) bam boda (بلد بودن) aü boda (عروس‌شدن)
damā boda (دامادشدن)

س) با مصدر رفتن /čeda/:

bākü čeda (چهاردست و پا رفتن) a:mum čeda (دوش‌گرفتن) za:ra čeda (ترسیدن)
del čeda (ضعف‌داشتن)

ش) با مصدر آوردن /ārda/:

pos ārda (پسر زاییدن) sera ārda (لذت‌بردن) baxt ārda (شانس‌آوردن)

safari ārda (زایمان‌کردن)

و) با مصدر کشیدن /kašeda/:

bü kašeda (بوکشیدن) das kašeda (دست‌برداشتن) ešeng kašeda (از ته دل آه‌کشیدن)

kel kašeda (کِل‌زدن)

ه) با مصدر خوردن /xarda/:

qasam xarda (قسم‌خوردن) bar xarda (آبستن‌شدن گاو و گوسفند) ɣal xarda (جوشیدن)

čapalāx xarda (سیلی‌خوردن)

ی) با مصدر افتادن /kata/:

del kata (ترسیدن) tapa kata (کنده‌شدن ته چیزی) čaw kata (شایعه‌شدن)

nezv kata (نشستن شبنم روی زمین یا گل و گیاه)

۴-۱-۳. گروه حرف اضافه‌ای + فعل

az barā onda (طرفداری کردن) a donyā onda (متولدشدن) a xo gereta (اعتراف‌کردن)

vā barā onda (ورآمدن خمیر)

۴-۱-۴. قید یا قید پیشوندی + فعل

Jayxo čeda (فوراً رفتن) vādar onda (دوباره سبزشدن) adar ārda (بیرون‌آوردن)

zir onda (پایین‌آمدن)

۴-۱-۵. ضمیر + فعل

xo bessa (خود را انداختن) xo gereta (تکبر ورزیدن) xo xarda (خودخوری کردن)

داده‌های بررسی‌شده نشان داد که در زبان لاری پنج نوع فرایند ترکیب وجود دارد و سازه‌های غیرفعلی شامل صفت، اسم، گروه حرف اضافه‌ای، قید (قید پیشوندی) و ضمیر هستند.

۴-۲. فرایند انضمام

علاوه بر فرایند ترکیب، یکی دیگر از فرایندهایی که در تشکیل فعل مرکب در این زبان نقش دارد فرایند انضمام است. بیکر[1] (۱۹۸۸) انضمام را فرایندی می‌داند که توسط آن یک واژهٔ مستقل از نظر معنایی به وسیلهٔ قواعد نحوی به جایگاه جدیدی منتقل شده و در درون واژه‌ای دیگر جای می‌گیرد (کاتامبا[2] و استونهام[3]، ۲۰۰۶: ۴۸۴). میتون[4] (۱۹۸۴: ۸۴۸) لفظ انضمام را به هر نوع ترکیبی اطلاق می‌کند که در آن یک فعل به اسمی با رابطهٔ معنایی کنش‌پذیر، مکان یا ابزار می‌پیوندد تا فعل جدیدی را شکل دهند. در ادامه به فرایندهای انضمامی منجر به ساخت فعل مرکب در زبان لاری پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. انضمام مفعول صریح به فعل ساده

کریمی (۱۹۹۹، ۲۰۰۳) بر این باور است که در زبان فارسی حرف نشانهٔ «را» همراه با گروه اسمی مشخص، چه معرفه و چه نکره، می‌آید اما بعد از گروه اسمی نامشخص این گونه نیست. به عبارت دیگر، حرف نشانهٔ «را» نشانهٔ مشخص‌بودگی گروه‌های اسمی تلقی می‌شود. حرف نشانهٔ «را» از نظر دبیرمقدم (۱۳۹۳: ۱۳۱) نشانهٔ مفعول صریح[5] در حوزهٔ نحو و نشانهٔ مبتدای ثانویه در حوزهٔ کلام است. حرف نشانهٔ «*را*» در زبان لاری برای مفعول صریح وجود ندارد بلکه این نشانه به صورت ساختواژی است. در این زبان پسوند /ü-/ معادل «*را*» در زبان فارسی است. بر اساس تعریف کریمی (۱۹۹۹، ۲۰۰۳) از مشخص‌بودگی، نقش پسوند /ü-/ نیز در زبان لاری نشانهٔ معرفگی نیست چرا که الزام وجود این پسوند نه تنها به همراه گروه اسمی معرفهٔ مفرد بلکه به همراه گروه اسمی نکرهٔ مبین مشخص‌بودگی این پسوند در زبان لاری است.

زمانی که مفعول صریح با فعل منضم می‌شود بر خلاف فارسی حرف نشانهٔ «را» را ندارد که آن را از دست بدهد؛ اما نشانه‌های دیگری مانند نشانهٔ جمع /iyā/، نکره /yak; -i/، نشانهٔ مشخصهٔبودگی /ü-/ و ضمیر متصل ملکی را از دست می‌دهد؛ به عنوان مثال

1) a. Sara   das-iyā-š   oš=šu

سارا   دست-نشانهٔ جمع-3sgملکی   شست=واژه‌بست3sg

سارا دست‌هایش را شست.

b. Sara   das   oš=šu

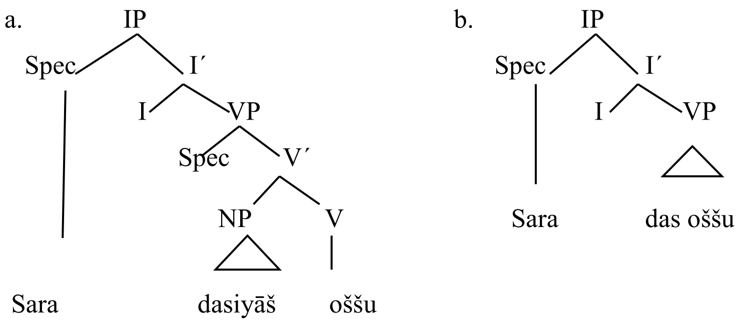
---

[1] M. C. Baker
[2] F. Katamba
[3] J. T. Stonham
[4] M. Mithun
[5] direct object

شست=واژه‌بست3sg دست سارا

سارا دست شست.

در جملهٔ 1(b) مفعول صریح /dasiyāš/ به فعل /oššu/ منضم‌شده و نشانهٔ جمع /-iyā/ و نشانهٔ ضمیر ملکی متصل سوم شخص مفرد /š/ را از دست داده است. فعل متعدی دو ظرفیتی در جملهٔ 1(a) به فعل لازم یک ظرفیتی در جملهٔ 1(b) تبدیل شده است؛ زیرا فرایند انضمام کاهش ظرفیت ایجاد می‌کند. همچنین در جملهٔ 1(a) فعل و مفعول هر کدام تکیهٔ جداگانه دارند. اما در جملهٔ 1(b) جزء فعلی و مفعول منضم‌شده کلیت معنایی را شکل داده و با هم یک تکیه می‌گیرند. مفعول منضم‌شده در این جمله نیز غیرارجاعی می‌شود. نمودار درختی مثال‌های ذکرشده، بر پایهٔ برنامهٔ کمینه‌گرایی ترسیم شده است.



نمودار (۱) نمودار (۲)

۴-۲-۲. انضمام مفعول صریح به فعل مرکب

2) a. Sara ketāb-iyā ja:m oš=ke

کرد=واژه‌بست3sg جمع نشانهٔ جمع-کتاب سارا

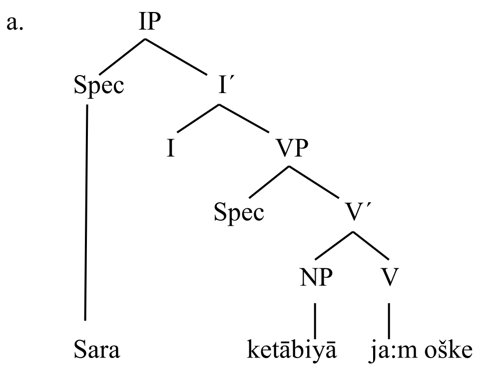
سارا کتاب‌ها را جمع کرد.

b. Sara ketāb ja:m oš=ke

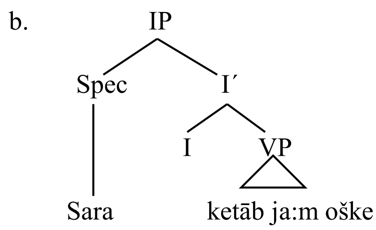
کرد=واژه‌بست3sg جمع کتاب سارا

سارا کتاب جمع کرد.

در این دسته‌بندی نیز با انضمام مفعول صریح به فعل، مفعول نشانهٔ جمع خود /-iyā/ را از دست می‌دهد و فعل مرکب انضمامی شکل می‌گیرد.



نمودار (۳)



نمودار (۴)

۴-۲-۳. انضمام مفعول صریح در جملهٔ دو مفعولی

3) a. Sara e jama-ü vase ma ož=düt

سارا این لباس-نشانهٔ مشخص بودگی برای من دوخت=واژه‌بست3sg

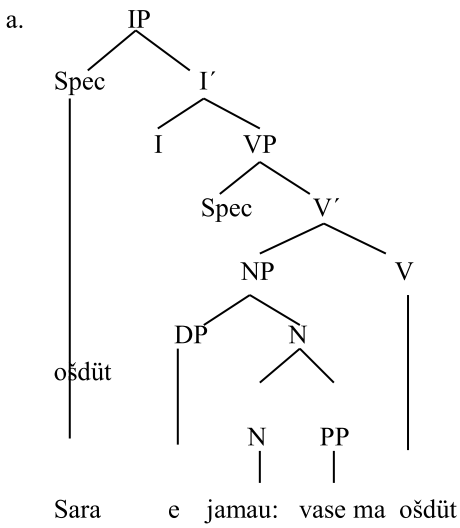
سارا این لباس را برای من دوخت.

b. Sara vase ma jama ož=düt

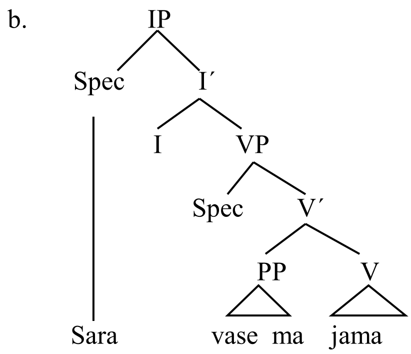
سارا برای من لباس دوخت=واژه‌بست3sg

سارا برای من لباس دوخت.

در جملهٔ 3(b) با انضمام مفعول صریح به فعل، مفعول صریح نشانهٔ مشخص‌بودگی /-u:/ و حرف اشارهٔ /e/ را از دست داده است و فعل مرکب انضمامی /jama düta/ به معنی *لباس دوختن* شکل گرفته است.



نمودار (۵)



نمودار (۶)

۴-۲-۴. انضمام مفعول صریح + گروه حرف اضافه + فعل

4) a. Sara gol-iyā a te goldu oš=kešt

سارا گل-نشانهٔ جمع در داخل گلدان 3sgواژه‌بست=کاشت

سارا گل‌ها را در گلدان کاشت.

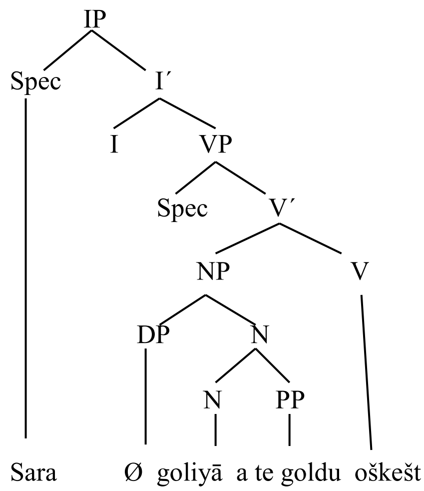
b.Sara a te goldu gol oš=kešt

سارا در داخل گلدان گل 3sgواژه‌بست=کاشت

سارا در گلدان گل کاشت.

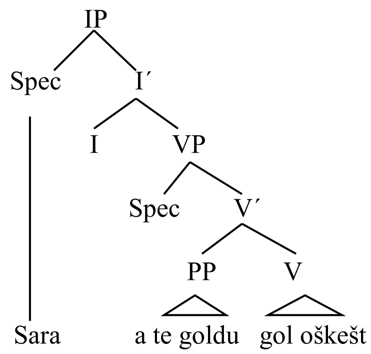
در این دسته از فرایند انضمامی نیز مفعول نشانهٔ دستوری خود را از دست داده است و به فعل منضم‌شده است. همچنین در جملهٔ (4b مانند جملهٔ (3b مفعول صریح، گروه حرف اضافه‌ای را پشت سر گذاشته و به فعل نزدیک شده است؛ زیرا در لاری مانند زبان فارسی ترتیب مفعول صریح- مفعول به‌واسطه[1]، ترتیب بی‌نشان مفعول است. منصوری (۱۳۸۶) در مورد این دسته از انضمام در زبان فارسی دو سطح قائل می‌شود که در سطح اول مفعول نشانه‌های خود را از دست می‌دهد و با کل ترکیب منضم می‌شود و در سطح دوم اسم انضمامی، خود را به فعل نزدیک‌تر می‌کند.

a.



نمودار (۷)

b.



نمودار (۸)

۵-۲-۴. انضمام مفعول بواسطه

در این نوع انضمام نیز مفعول به‌واسطه با انضمام به جزء فعلی، نشانه‌های دستوری از جمله نشانهٔ جمع، نشانهٔ نکره، نشانهٔ مشخص‌بودگی و... خود را از دست می‌دهد.

5) a. bayla-e amā jajxo va māšin-iyā-šu čed-en

[1] indirect object

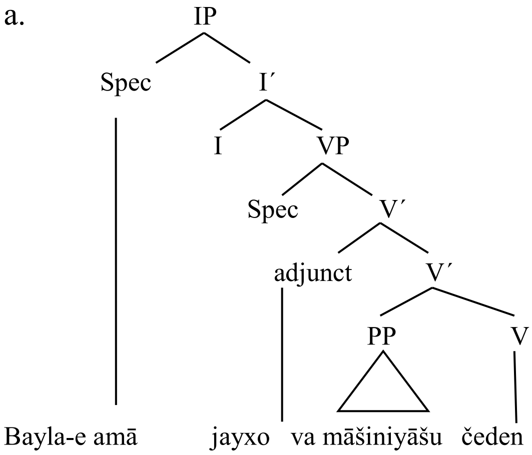
3pl-رفت   ملکی3pl-نشانهٔ جمع-ماشین   با   فوراً   ما   اضافه-گروه

گروه ما فوراً با ماشین‌های‌شان رفتند.

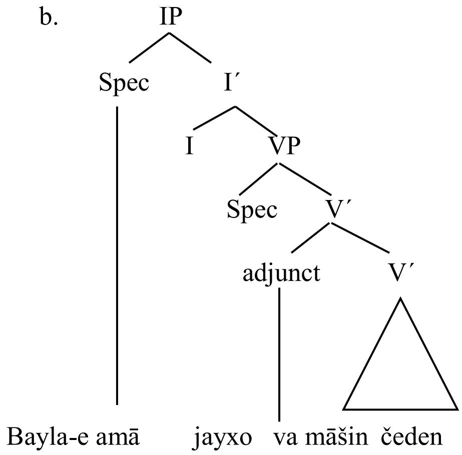
b. bayla-e   amā   jajxo   va   māšin   čed-en

3pl-رفت   ماشین   با   فوراً   ما   اضافه-گروه

گروه ما فوراً با ماشین رفتند.



نمودار (۹)



نمودار (۱۰)

بیکر (۱۹۸۸) انضمام‌های (۱) تا (۵) ذکرشده در فرایندهای انضمام بالا را تحت عنوان انضمام اسمی بیان می‌کند و تقسیم‌بندی جداگانه‌ای ارائه نمی‌دهد. وی (۱۹۸۸) اصطلاح انضمام اسمی را نوعی فرایند مرکب‌سازی می‌داند که طی آن اسمی که صاحب نقش معنایی پذیرا، بهره‌ور، موضوع، ابزار یا مکان است و در نقش دستوری مفعول ظاهر می‌شود، در ترکیب با فعل، یک فعل مرکب انضمامی می‌سازد.

۴-۲-۶. انضمام گروه حرف اضافه

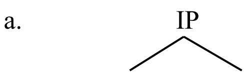
انضمام گروه حرف اضافه‌ای نوع دیگری از انضمام است که دبیرمقدم (۱۳۷۶) در انواع انضمام در زبان فارسی به آن اشاره می‌کند. در این نوع انضمام، حرف اضافه بر اثر عملکرد فرایند انضمام حذف می‌شود. اما برخلاف زبان فارسی، در لاری انضمام گروه حرف اضافه وجود ندارد و با حذف حرف اضافه، جمله بدساخت می‌شود. به همین دلیل جملهٔ 6(b) صحیح نیست و بر اساس شم زبانی گویشور این جمله بدساخت است.

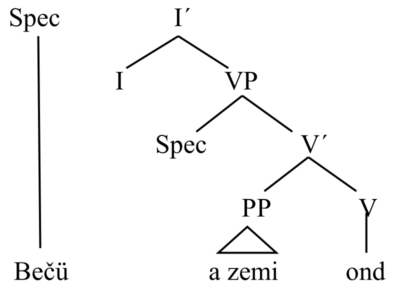
6) a. Beč-ü   a   zemi   ond

آمد   زمین   به   نشانهٔ مشخص بودگی-بچه

* b. Beč-ü   zemi   ond

آمد   زمین   نشانهٔ مشخص بودگی-بچه

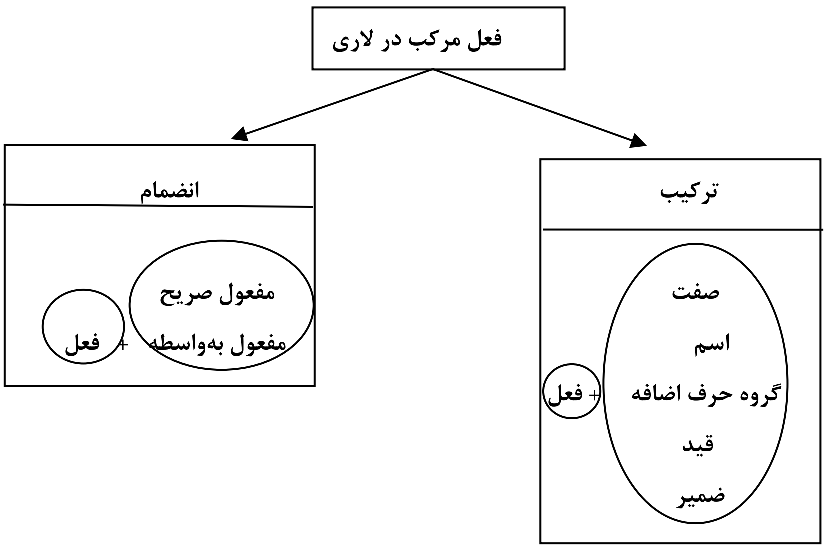




نمودار (۱۱)

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اساس شواهد داده‌بنیاد نشان داد که تشکیل فعل مرکب در لاری حاصل دو فرایند ترکیب و انضمام است. ترکیب و انضمام نیز ماحصل پیوند دو سازهٔ مستقل است که در نهایت منجر به شکل‌گیری فعل مرکب می‌شود. پنج نوع ترکیب از جمله ترکیب صفت با فعل، اسم با فعل، گروه حرف اضافه با فعل، قید یا قید پیشوندی با فعل، ضمیر با فعل و دو نوع انضمام شامل انضمام مفعول صریح و مفعول به‌واسطه در ساخت فعل مرکب در این زبان دخیل هستند.



فعل مرکب در زبان لاری مطابق با ایدهٔ منصوری (۱۳۸۶) از فعل ترکیبی شروع شده و به انضمام می‌انجامد. فعل حاصل از انضمام در این زبان نیز دارای شفافیت معنایی است؛ مثلاً فعل انضمامی /jama düta/ به معنی *لباس دوختن* از لحاظ معنایی شفاف است. در مورد انضمام بعد معنایی و کاربرد شناختی آن را نیز نباید نادیده گرفت؛ به عنوان مثال فعل انضمامی *خرما پاک‌کردن* به دلیل بسامد بالای استفاده از این واژه در این منطقه به صورت فعل مرکب به کار می‌رود. اما در ترکیب، فعل دستخوش بسط استعاری می‌شود؛ برای مثال در فعل ترکیبی /gam

/zata/ به معنی *کوک‌زدن*، فعل /zata/ دیگر به معنای واقعی خودش یعنی به معنای *زدن* نیست بلکه در ترکیب با اسم معنای جدیدی یافته است.

همچنین در ساخت فعل مرکب در لاری با یک فرایند ساختواژی (واژگانی) روبرو هستیم و نه نحوی. زیرا حرکت هسته به هسته نیست بلکه در این زبان عناصری غیر از هسته ازجمله قیدها و ضمایر نیز با فعل ترکیب می‌شوند و فعل مرکب را می‌سازند.

منابع

افشار، طاهره و سروش زارعی (۱۳۹۵). بررسی افعال مرکب در گویش کلهری زبان کردی با تکیه بر آثار ادبی معاصر، *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب* ایران، ۱۵، صص. ۴۱-۵۴.

انوری، حسن و احمد گیوی (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی*، تهران: فاطمی.

خانلری، پرویز (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.

خنجی، لطفعلی (۱۳۸۸). *نگارش توصیفی بر زبان لارستانی و گویش خنجی*. شیراز: ایلاف.

دادفر، مجید و حمیدرضا سلمانی (۱۳۹۰). بررسی دیدگاه باطنی در مورد فعل ساده و مرکب در زبان فارسی. *مطالعات زبانی بلاغی*، ۴، صص. ۷۹-۹۱.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، ۲۳ و ۲۴، صص. ۱-۴۶.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت

دیانت، لیلا (۱۳۹۵). فرایند همگونی در زبان لاری. *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۱، صص. ۵۳-۷۲.

دیانت، لیلا (۱۳۹۹). دوگان‌سازی در زبان لاری. *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۱، صص. ۸۳-۱۰۵.

دیانت، لیلا (۱۴۰۱). *فرهنگ سه‌زبانه اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در زبان لاری*. تهران: بوی کاغذ.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم و شیدا امام دوست (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی فعل‌های پیشوندی مرکب. *مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*، صص. ۱-۹.

سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۳). *گنجینه گویش‌شناسی فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

شریف، بابک و محمد عموزاده (۱۳۹۶). تشکیل افعال مرکب فارسی از منظر دستور شناختی. *جستارهای زبانی*، ۲، صص. ۱۷۰-۱۴۹.

صفری، عبدالرزاق (۱۳۹۰). *بررسی ساختمان گروه فعلی در لاری بر پایهٔ نظریهٔ ایکس تیره*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

طباطبایی، علاالدین (۱۳۸۴). فعل مرکب در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۲، صص. ۲۶-۳۴.

کلباسی، ایران (۱۳۶۷). دستگاه فعل در گویش لاری. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱، صص. ۱۴۵-۱۷۰.

ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه سید محمد سمائی. تهران: مرکز.

محمودی احمدآبادی، طاهره (۱۳۹۴). تحلیل ساختار فعل مرکب در گویش فارسی اردکان یزد، *علم زبان*، ۴، صص. ۵۷-۸۳.

مرادی، ابراهیم و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۲). بررسی معنایی فعل مرکب در زبان فارسی. *ادب و زبان*، ۳۳، صص. ۳۰۵-۳۲۵.

منصوری، مهرزاد (۱۳۸۶). انضمام در زبان فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۲، صص. ۱۲۵-۱۴۰.

منصوری، مهرزاد (۱۳۹۲). فعل سبک در افعال مرکب فارسی. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۱، صص. ۷۷-۱۰۴.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۶۹). *لار شهری به رنگ خاک*. تهران: نشر کلمه.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰). *لارستان*. تهران: تحقیقات فرهنگی.

وفایی، عباسعلی (۱۳۹۶). ساختمان فعل در زبان فارسی. *پژوهش‌های ادبی*، ۵۵، صص. ۱۳۱-۱۴۶.

Baker, M. C. (1988). *Incorporation a theory of function changing*. Chicago: University of Chicago Press.

Karimi, S & J. Mohammad (1992). Light verbs are taking over complex verbs in Persian. *Proceeding of the Western Conference on Linguistics 92*. Vol. 5. pp. 195-212.

Karimi, S. (1999). Specificity effect: Evidence from Persian. *Linguistic Review 16*. pp. 125-141.

Karimi, S. (2003). Object positions, specificity and scrambling. In Karimi, S. (ed) *Word order and scrambling.* (91-125). Blackwell Publising.

Katamba, F. & J. T. Stonham (2006). *Morphology*. London: Routledge.

Lieber, R. (2004). *Morphology and lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Malčanova, A. K. (1982). *Larestanski yezik*. Moskow: Izdatelsua Nauka

Mann, O. (1909). *Die Tajik-Mundarten der Provinze Fars, Kurdisch-Persische Forschungen. Berlin.*

Mir-Dehghan, M. & M. Ourang. (2013). An analytic study of the grammatical tenses in Lari language. *International Review of Social Sciences and Humanities*, *1*. pp. 124-134.

Mithun, M. (1984). The evolution of noun incorporation. *Language 60*. pp. 847-894.

Unesco, www.unesco.org/culture/languages-atlas/